

Governance in the Age of Cyberpolitics: An Analysis of the Role of New Media in the Transformation of Governance Structures


Reza Rahmati

Assistant Professor of International Relations, Faculty Member, Department of Political Science, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran
Email: r.rahmati@basu.ac.ir

Hossein Emamverdi

PhD Student, International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: h.emamverdi@ut.ac.ir

 0009-0003-8920-4893

Abstract

Advancements in modern technologies have brought about fundamental transformations in governance structures. By reshaping the geometry of political power and expanding digital governance, these technologies have influenced governance processes and played a pivotal role in redefining political relations and interactions. Accordingly, the main research question is as follows: What are the impacts of cyberpolitics and new media on governance structures and processes? The research hypothesis posits that cyberpolitics and new media, through the integration of governance domains within information networks, have altered the foundations of democratic governance and transformed its concepts and functions. The findings indicate that the digitalization of governance and the transformation of democratic foundations within the framework of new media have reshaped mechanisms of social mobilization, political protest, civic participation, and the exertion of pressure on governance institutions—shifting politics from the streets to digital networks. Consequently, governance in digital spaces has become more dynamic, and global governance processes have evolved through innovative communication mechanisms. This study aims to analyze the effects of cyber technologies and new media on governance structures and processes by adopting a qualitative approach and employing theoretical analysis. The data for this research were systematically collected through the examination of documents, academic articles, and credible online sources, and analyzed within the framework of concepts related to cyberpolitics, digital governance, and networked political participation.

Keywords: Governance, Cyberpolitics, Integration, New Media




حکمرانی در عصر سایبرپلیتیک: تحلیلی بر نقش رسانه‌های نوین در تحول ساختارهای حکمرانی

رضا رحمتی

استادیار روابط بین‌الملل، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
Email: r.rahmati@basu.ac.ir

حسین امام وردی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Email: h.emamverdi@ut.ac.ir

 0009-0003-8920-4893

چکیده

تحولات فناوری‌های نوین موجب تغییرات اساسی در ساختارهای حکمرانی شده است. این فناوری‌ها با تغییر هندسه قدرت سیاسی و گسترش حکمرانی دیجیتال، فرایندهای حکمرانی را تحت تأثیر قرار داده و در بازتعریف روابط و تعاملات سیاسی نقش کلیدی ایفا کرده‌اند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که سایبرپلیتیک و رسانه‌های نوین چه تأثیری بر ساختارها و فرایندهای حکمرانی دارند؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که سایبرپلیتیک و رسانه‌های نوین با یکپارچه‌سازی حوزه‌های حکمرانی در بستر شبکه‌های اطلاعاتی، پایه‌های حکمرانی دموکراتیک را تغییر داده و به تحول در مفهوم و کارکردهای حکمرانی منجر شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیجیتالی شدن حکمرانی و تغییر در پایه‌های حکمرانی دموکراتیک در بستر رسانه‌های نوین، شیوه‌های بسیج اجتماعی، اعتراضات سیاسی، مشارکت مدنی و اعمال فشار بر نهادهای حکمرانی را دگرگون ساخته و سیاست را از خیابان‌ها به شبکه‌های دیجیتال منتقل کرده‌اند. در نتیجه، حکمرانی در فضای دیجیتال با پویایی بیشتری مواجه شده و فرایندهای حکمرانی در سطح جهانی از طریق سازوکارهای نوین ارتباطی دچار تحول شده است. این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر فناوری‌های سایبری و رسانه‌های نوین بر ساختار و فرایندهای حکمرانی، رویکردی کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل نظری انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه نظام‌مند اسناد، مقالات علمی و منابع معتبر برخط گردآوری شده و در چهارچوب مفاهیم مرتبط با سایبرپلیتیک، حکمرانی دیجیتال و مشارکت سیاسی شبکه‌ای تحلیل شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، سایبرپلیتیک، یکپارچه‌سازی، رسانه‌های نوین



مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی همواره یکی از ارکان اساسی تمدن بشری بوده است؛ اما مفاهیم آن به طور مداوم و هم‌راستا با تحولات اجتماعی، سیاسی و نهادهای حاکمیتی بازتعریف شده‌اند. این بازتعریف‌ها در واکنش به تغییرات در شیوه‌های اعمال قدرت و سازوکارهای جدید سیاست‌گذاری صورت گرفته‌اند که پاسخ‌هایی به تحولات پدیده‌های سیاسی معاصر به شمار می‌روند. در این راستا، مباحث گسترده‌ای در خصوص ماهیت حکمرانی مطرح شده است؛ برخی آن را فن، دانش یا هنر می‌دانند ولی همگان بر این اجماع دارند که حکمرانی، پیش از آنکه به‌عنوان یک مقوله نظری مطرح شود، بخش جدایی‌ناپذیر از رفتار کنشگران سیاسی در تاریخ جوامع بشری بوده است.

در دو دهه اخیر، تحولات عمده‌ای در دنیای سیاست و حکمرانی به وقوع پیوسته است. ظهور جوامع شبکه‌ای و گسترش شبکه‌های اجتماعی جدید، به‌ویژه با پیچیدگی‌های فزاینده در هویت‌های فردی و اجتماعی، چالش‌های نوینی را برای دولت‌ها، به‌ویژه در عرصه حاکمیت ملی، به‌وجود آورده است. این تغییرات، موجب دگرگونی‌های اساسی در ماهیت حکمرانی و شیوه‌های اعمال قدرت شده و به‌طور ویژه بر نحوه تعامل دولت‌ها با شهروندان و سایر بازیگران سیاسی تأثیر گذاشته است. در این چهارچوب، ظهور اینترنت در دهه ۱۹۹۰ و رشد سریع آن، عرصه سیاست و حکمرانی دولتی را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کرده است. مفاهیم جدیدی همچون دولت الکترونیکی و بین‌المللی شدن حاکمیت سیاسی در این دوران به‌طور فزاینده‌ای مطرح شدند. این تغییرات نیازمند بررسی در چهارچوب تحولات وسیع در عرصه حکمرانی و تأثیرات فزاینده عناصر بین‌المللی بر رفتار سیاسی است. علاوه بر این، مفاهیم و کنش‌های سیاسی در عصر حاضر به‌شدت تحت تأثیر پدیده «سایبرپلیتیک»^۱ قرار گرفته‌اند. در گذشته، ابزارهایی مانند تلفن همراه، پیامک، فیس‌بوک و «گوگل ریدر»^۲ به‌عنوان نخستین تأثیرات بر مفاهیم و کنش‌های سیاسی در بستر سایبرپلیتیک شناخته می‌شدند؛ اما امروزه با ظهور و رشد شبکه‌های اجتماعی جدید مانند تلگرام، توئیتر، اینستاگرام و «تیک‌تاک»^۳ و «کلاب‌هاوس»^۴، بستر سایبرپلیتیک و رفتار سیاسی سیاسی کاربران در فضای آنلاین به‌طور چشم‌گیری تغییر کرده است. انتقال حکمرانی به فضای وب، سبب شکل‌گیری نهادهای جدید در سطح بین‌المللی و جهانی شدن

1. Cyber politics
2. Google Reader
3. Tick Tock
4. Club house

مؤلفه‌های قدرت و سیاست شده است. این نهادسازی‌های جدید، ناشی از فرایندهای دیجیتال سازی و گسترش ارتباطات جهانی هستند و به‌طور مستقیم روابط و مناسبات سیاسی و حکمرانی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

این مقاله با هدف بررسی تأثیر سایبرپلیتیک و رسانه‌های نوین بر ساختارها و فرایندهای حکمرانی نگاشته شده است. دغدغه اصلی نگارندگان، مطالعه تغییرات عمده‌ای است که در پی ظهور جوامع شبکه‌ای و شبکه‌های اجتماعی جدید در دهه‌های اخیر در عرصه حکمرانی و سیاست به‌وجود آمده است. بدین‌سان، این مقاله در نظر دارد تا به تحلیل پیامدهای ناشی از انتقال حکمرانی به فضای دیجیتال و سایبری پردازد و اثرات آن بر ماهیت و ساختار حکمرانی و قدرت سیاسی را مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش این است که سایبرپلیتیک و رسانه‌های نوین چه تأثیری بر ساختارها و فرایندهای حکمرانی دارند؟ سازماندهی پژوهش در پنج بخش اصلی انجام شده است؛ بخش اول به مرور پیشینه تحقیق اختصاص دارد. در بخش دوم چهارچوب مفهومی تحقیق ارائه می‌شود که در آن مفاهیم کلیدی مانند حکمرانی، سایبرپلیتیک و شبکه‌ای شدن حکمرانی به‌طور دقیق بررسی می‌شوند. بخش سوم به تحلیل ارتباط بین حکمرانی و سایبرپلیتیک پرداخته و پایه‌های حکمرانی دموکراتیک و تحولات اساسی در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی را مرور می‌کند. بخش چهارم به تحولات حکمرانی دموکراتیک در عصر جامعه شبکه‌ای پرداخته و در آن به جنبش‌های سایبری، کمپین‌های دیجیتال و نقش دوگانه رسانه‌های بین‌المللی در حکمرانی پرداخته می‌شود. در نهایت، بخش پنجم به تجزیه و تحلیل یافته‌ها اختصاص دارد و تغییرات و تحولات حکمرانی دموکراتیک در بستر سایبرپلیتیک بررسی می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

با وجود نو بودن موضوع حکمرانی دیجیتال و رسانه‌های نوین مبتنی بر وب، تحقیقات فراوانی در این زمینه منتشر شده است. باین‌حال، در زمینه خلأهای حکمرانی دموکراتیک در بستر سایبرپلیتیک، پژوهش‌های چندانی انجام نگرفته است. در ادامه به برخی از پژوهش‌های مهمی که در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند، اشاره خواهد شد.

جدول شماره ۱: خلاصه پیشینه پژوهش‌ها با تمرکز بر اینترنت، خیابان و رفتار سیاسی

عنوان پژوهش	مؤلف	سال	نتیجه/توضیح
قدرت خیابان: شواهدی از بهار عربی مصر	داروون عجم اوغلو و دیگران	۲۰۱۸	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بهار عربی و به‌طور خاص سرنگونی حکومت مبارک، تأکید و اهمیت ویژه قدرت خیابان را به رخ کشیده است.
تأثیرات سیاسی اینترنت و رسانه اجتماعی	اکاترینا ژوراوسکایا	۲۰۲۰	این اثر با بررسی تأثیر نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بر چگونگی نتایج سیاسی، تمایزاتی بین رسانه‌های سنتی آفلاین و رسانه‌های بین‌المللی شده جدید ایجاد کرده و در خصوص تأثیرات اینترنت و رسانه‌های جدید بر رأی‌گیری، اعتراضات خیابانی، نگرش به دولت، قطبی‌شدن سیاسی، بیگانه‌هراسی و رفتار سیاست‌مداران بحث می‌کند.
انقلاب: قدرت مردم بیشتر از مردم در قدرت است	وائل گونیم	۲۰۱۲	این اثر بر تأثیر نقش اینترنت و رسانه‌های بین‌المللی شده جدید در تقویت نارضایتی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سراسر جهان تأکید می‌کند و بر سیاست سرکوب رسانه‌های اجتماعی به‌وسیله دموکراسی‌ها و رژیم‌های خودکامه توجه می‌کند.
توثیت‌ها و خیابان‌ها	پائولو گربائودو	۲۰۱۲	اثر توثیت‌ها و خیابان‌ها فرهنگ جنبش‌های اعتراضی جدید قرن بیست‌ویکم را تحلیل می‌کند. پائولو گربائودو از بهار عربی تا تظاهرات «براشفنگان» ^۱ در اسپانیا و جنبش اشغال‌وال‌استریت، رابطه بین ظهور رسانه‌های اجتماعی و ظهور اشکال جدید اعتراض را بررسی می‌کند. گربائودو استدلال می‌کند که استفاده فعالان از تویتر و فیس‌بوک با تصویر فضای مجازی جدا از واقعیت فیزیکی مطابقت ندارد.
بسیاری از آمریکایی‌ها می‌گویند اخبار جعلی مشکلی اساسی است که باید حل شود	مایکل گات فرید	۲۰۱۹	این اثر با نگاهی شماتت‌گونه، نقش منفی رسانه‌های اجتماعی جدید را در دموکراسی‌ها برای افزایش پوپولیسم، گسترش ایده‌های بیگانه‌هراسی و تکثیر اخبار جعلی را مورد بررسی قرار داده است.

عنوان پژوهش	مؤلف	سال	نتیجه/توضیح
نقش اینترنت در توسعه سیاسی	سید وحید عقیلی و دیگران	۱۳۹۱	این اثر بر آن است که اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، هم‌زمان بودن ارتباط، همه‌جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسورگریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی است. همچنین بر این موضوع تأکید دارد که اینترنت بستری مناسب برای گسترش توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی است و رسانه‌های نوین مهارت‌ها و عوامل تازه‌ای را در مبارزات سیاسی وارد کرده‌اند.

با وجود پژوهش‌های متعددی که در زمینه تحلیل رفتار سیاسی و تأثیر اینترنت بر حکمرانی دیجیتال انجام شده است، بررسی جامع اثرات متقابل رسانه‌های نوین جهانی بر حکمرانی دموکراتیک هنوز به‌طور کامل مد نظر قرار نگرفته است. این پژوهش با شناسایی خلأ موجود در ادبیات این حوزه، به تحلیل تأثیر رسانه‌های نوین بر سازوکارهای حکمرانی دموکراتیک پرداخته و تحولات دیجیتالی شدن حکمرانی در بستر سایبرپلیتیک را بررسی می‌کند.

۲. چهارچوب مفهومی

۲-۱. حکمرانی

اگرچه حکمرانی از نظر عملی ریشه در تاریخ تلاش‌های بشری برای اداره امور دارد؛ اما واژه «حکمرانی»^۱ در پایان قرن بیستم رایج شد. این واژه به‌ویژه در زمینه مسائل توسعه، دموکراسی و حکومت‌های دموکراتیک کاربرد فراوان یافته است. در ادبیات سیاسی و سیاست‌گذاری فارسی‌زبان، «حکمرانی» معادل واژه‌های حکومت، حکمروایی، فرمانروایی، حکومت‌گری، مملکت‌داری، مدیریت اجتماعی و در نهایت تدبیر امور ترجمه شده است. از دیدگاه «انستیتو اوتاوا»^۲، حکمرانی ترکیبی از سنت‌ها شامل قواعد، آداب و رسوم، نهادها و فرایندهایی است که مشخص می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض داشته باشند و چگونه تصمیمات در زمینه مسائل عمومی اتخاذ می‌شود (Gerham et al, 2003). علاوه بر این،

1. Governance

2. Institute Ottawa

حکمرانی (صرف نظر از بستر اجرایی آن) مبتنی بر شفافیت و دوری از تنظیم‌گری است. به عقیده کافمن، «حکمرانی خوب»^۱ به معنای حاکمیتی است که با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و ابعاد قانونی و اقتداری خود، قادر به پاسخ‌گویی مؤثر به تهدیدات خارجی از جمله مقابله با جرم و تروریسم، تأمین ثبات سیاسی، ارتقای اثربخشی دولت، تضمین حاکمیت قانون، جلوگیری از تحمیل قوانین به‌طور غیرمنطقی و پیشگیری از رشد و گسترش فساد است.

این فرایندها باید قابل سنجش و ارزیابی باشند (Kaufmann, 2003: 25). بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمرانی را به‌عنوان «سیستم پیچیده‌ای از تعاملات میان ساختارها، سنت‌ها، کارکردها (مسئولیت‌ها) و فرایندها (عملکردها) که از طریق سه ارزش اساسی یعنی پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت مشخص می‌شود»، تعریف می‌کنند (World Bank, 1999).

به‌عبارت‌دیگر، حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حاکمان و تحت حاکمیت‌ها اشاره دارد. باین‌حال، گاهی اوقات مفهوم «حکومت» با «حکمرانی» یکسان تلقی می‌شود، درحالی‌که نمی‌توان این دو مفهوم را معادل دانست. چراکه مفهوم حکومت به مجموعه‌ای از نهادهای سیاسی، اداری، دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی، نظامی و دیگر نهادها اشاره دارد، درحالی‌که حکمرانی به پویاها و فرایندهای تصمیم‌گیری، شیوه اعمال قدرت و به‌طور کلی به تعاملات دولت و شهروندان اشاره دارد. در برخی مواقع نیز این دو مفهوم باهم مخلوط می‌شوند. در واقع، مفهوم «حکومت» بیشتر به مشکلات و چالش‌های پیش‌روی دولت در مدیریت مؤثر امور اجتماعی مربوط می‌شود، درحالی‌که «حکمرانی» به شیوه‌های صحیح مواجهه با این مشکلات و چالش‌ها اشاره دارد (بدیعی‌ازنده‌ای و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۲-۱۸۱).

در این زمینه، میشل فوکو معتقد است که «حکومت‌داری»^۲ ظهور شکلی جدید و خاص از تفکر درباره قدرت و به‌کارگیری آن در برخی جوامع خاص است (فوکو، ۱۳۸۴: ۲۵). تعریف فوق از حکومت‌داری بر تفکر سیاسی خاصی تأکید می‌کند که منبع تغذیه اطلاعاتی آن دولت است. به‌عبارت‌دیگر، زمانی که فضای قانونی بودن و مشروعیت دولت تثبیت می‌شود، فناوری‌های دولتی، روندهای حقوقی و ابزارهای امنیتی همچون بهداشت، آموزش و تحصیلات، نظام‌های رفاه اجتماعی و بخش‌های مرتبط با آن تحت تأثیر دورنمای حکومت‌داری قرار گرفته و تمامی این فناوری‌های دولتی و ابزارهای

1. Good governance
2. Governmentality

امنیتی به‌عنوان ضامن اجرا، کارایی و تقویت قدرت دولت عمل خواهند کرد (فوکو، ۱۳۸۴: ۲۷).

درعین‌حال، حکمرانی که پیامد ذاتی حاکمیت است، موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در دنیای پیچیده تأثیر می‌گذارد. حکمرانی فرایندی است که از طریق آن جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ کرده و مشخص می‌کنند که چه افرادی در این فرایند دخیل بوده و چگونه وظایف خود را به انجام می‌رسانند. در واقع، حکمرانی به سنت‌ها، نهادها، فرایندها و شیوه‌های تصمیم‌گیری و اجرای این تصمیمات می‌پردازد.

۲-۲. سایبرپلیتیک

فرایند انتشار و تبادل اطلاعات و تشکیل ائتلاف‌های سیاسی در اینترنت با استفاده از پست الکترونیکی، صفحات وب، گروه‌های چت، بحث و گفت‌وگو، پایگاه‌های آنلاین و اخبار آنلاین، به‌عنوان «سایبرپلیتیک»^۱ شناخته می‌شود. در اینجا بحث بر این است که «چگونه اینترنت می‌تواند به لحاظ سیاسی استفاده شود» (Choucri, 2012). بر اساس این تعریف، کنشگری سیاسی، عنصر جدایی‌ناپذیر در ادبیات سایبرپلیتیک محسوب می‌شود. به‌طور کلی، سایبرپلیتیک به‌منظور توضیح نوع خاصی از فعالیت یا امر سیاسی در دنیای سایبر به‌کاربرده می‌شود، که در این نوع فعالیت، دامنه عمل، بستر سایبر است و خود فعالیت، معطوف به امور سیاسی است. بنابراین، با یک منظر اشمیتی به امر سیاسی (Schmitt, 1932: 5-105)، سایبرپلیتیک، عرصه‌ای است که نشانه‌های ابراز تمایل، علاقه، دوستی، دشمنی و به‌طور کلی هر رفتار سیاسی در فضای سایبر عیان می‌شود.

۲-۳. شبکه‌ای شدن حکمرانی

«شبکه‌ای شدن حکمرانی»^۲ به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر مؤلفه‌های مبتنی بر وب قرار گرفته است. دولت‌ها دیگر قادر به ارائه خدمات خود به شهروندان بدون بهره‌گیری از زیرساخت‌های الکترونیکی نیستند. به همین ترتیب، شهروندان و کاربران نیز برای رفع نیازهای خود به فرایندها و مسیرهای مبتنی بر وب وابسته شده‌اند. این وضعیت

1. Cyberpolitics

2. Networking of governance

به‌طور چشمگیری نوعی درهم‌تنیدگی در زندگی اجتماعی ایجاد کرده است که در سطوح دولتی و فردی مشهود است و وب به‌عنوان عامل پیوند دهنده این تنیدگی‌ها عمل می‌کند.

نقش دولت در حکمرانی به عوامل متعددی بستگی دارد؛ از جمله روندهای تاریخی که سیاست‌گذاری‌ها را تنظیم و کنترل می‌کنند، تمایل سازمانی به حفظ کنترل، نیازمندی حکمرانی به اقتدار قانونی و سیاسی و توانمندی سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی. در هر دوره‌ای، انتقادات و چالش‌های فراوانی بر سر راه تحقق حکمرانی با این ویژگی‌ها وجود داشته است. علاوه بر این، در دوران دیجیتال نیز موانع و چالش‌های خاصی به چشم می‌خورند. ورود به قرن بیست‌ویکم و ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی نه‌تنها به مرجعی برای تأمین نیازهای فرهنگی و اجتماعی کاربران تبدیل شده است، بلکه به‌طور هم‌زمان سایر فعالیت‌های اجتماعی، به‌ویژه امکان پیگیری مطالبات سیاسی، را در این فضا به عرصه ظهور می‌آورد (ابراهیمی فر و یعقوبی فر، ۱۳۹۳: ۷۳).

شبکه‌های اجتماعی، نسخه دیجیتال شده‌ای از جهان واقعی هستند که در آن مطالبات عمومی از سوی مردم مطرح می‌شود و در نهایت تأثیراتی در سطوح بالاتر، از جمله بر نخبگان سیاسی، می‌گذارد. این تأثیرات به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهند، از جمله پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی و ایجاد فضایی برای تبادل اطلاعات. به‌ویژه در بسیاری از موارد، مقامات سیاسی از پلتفرم‌هایی مانند توئیتر استفاده می‌کنند تا پیروان خود را از فعالیت‌ها و اقدامات مرتبط با مسئولیت‌های دولتی یا منصب‌هایشان آگاه سازند. حتی برخی مقامات در صفحات شخصی خود در شبکه‌هایی مانند فیس‌بوک و توئیتر گزارش‌های مختصر از عملکرد اجرایی خود را منتشر می‌کنند، به پرسش‌ها پاسخ می‌دهند، ارزیابی می‌شوند و در نتیجه اقداماتی اصلاحی انجام می‌دهند. در این راستا، اگر حکمرانی را ترکیبی از سنت‌ها، فرایندها و نهادهایی بدانیم که تعیین می‌کنند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مسائل عمومی اتخاذ می‌شوند، می‌توان گفت که دنیای دیجیتال کنونی، به‌طور طبیعی حکمرانی دیجیتال شده را به وجود آورده است.

۳. حکمرانی و سایبرپلیتیک

۳-۱. پایه‌های حکمرانی دموکراتیک

عناصر کلیدی حکمرانی شامل مدیریت بخش عمومی، پاسخ‌گویی، چهارچوب قانونی برای توسعه و شفافیت و دسترسی به اطلاعات است (Maldonado, 2010: 5). از میان این عناصر، مدیریت بخش عمومی به دلیل ارتباط نزدیک آن با بسترهای فیزیکی، کمتر در بحث‌های مربوط به فضای دیجیتال و سایبرپلیتیک مورد توجه قرار گرفته است. این بخش از حکمرانی با «اثربخشی حکومت»^۱ ارتباط دارد و به «ارزیابی کیفیت خدمات عمومی، خدمات مدنی، میزان استقلال از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و اعتبار تعهد دولت به چنین سیاست‌هایی» اشاره دارد) در واقع، پایه‌های اساسی و استراتژیک یک حکمرانی دموکراتیک، که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان نقش‌های کلیدی دولت در چهارچوب حکمرانی در نظر گرفت، دولت را به‌سوی انجام وظایف بنیادین خود هدایت می‌کند. این وظایف، که اساس آن‌ها مبتنی بر اعمال قهری و حاکمیتی است، به‌منظور تضمین موجودیت دولت و حفظ امنیت و سلامت جامعه تعریف می‌شوند. این اصول استراتژیک و اساسی، که هندسه حکمرانی دموکراتیک را نیز شکل می‌دهند، عبارتند از:

- ❖ مسئولیت سیاسی و اجتماعی: «مسئولیت»^۲ دولت در حکمرانی دموکراتیک معطوف به مدیریت تعارضات در حوزه‌های مختلف و مقابله با نوسانات شدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این نقش به‌ویژه در حفاظت از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه اهمیت دارد و باید به‌عنوان یک تعهد بنیادین در نظر گرفته شود؛
- ❖ مشارکت فعال اجتماعی و مدنی: یکی از وظایف کلیدی دولت، ایجاد انگیزه مشارکت و تسهیل رشد و توسعه در تمامی حوزه‌ها است. به بیان دیگر، حکمرانی دموکراتیک باید در برخی عرصه‌ها نقش آغازگر و در برخی دیگر نقش تسریع‌کننده را ایفا کند و در صورت ایجاد شرایط مطلوب، از این عرصه‌ها کناره‌گیری نماید تا جامعه به شکلی خودگردان مسیر توسعه را ادامه دهد؛

1. government effectiveness
2. Responsibility

❖ پاسخ‌گویی: «پاسخ‌گویی»^۱ به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی، در «قلب سیاست‌گذاری»^۲ قرار دارد (Lateef, 2016: 28). این مفهوم با عناصر کلیدی همچون موازنه قدرت، مسئولیت‌پذیری و افزایش کارآمدی حکمرانی مرتبط است (Atkins, 2019: 2) از این منظر، پاسخ‌گویی نه تنها شامل شفاف‌سازی اقدامات دولت، بلکه دربرگیرنده ایجاد ساختارهایی برای تأمین اجتماعی و کاهش فقر نیز می‌شود. حکمرانی مطلوب از طریق تنظیم فرایندها، ساختارها و مقررات، این امکان را برای شهروندان و سازمان‌ها فراهم می‌آورد تا بر تصمیماتی که مستقیماً بر رفاه و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، اثرگذاری داشته باشند؛

❖ شفافیت: «شفافیت»^۳ در نقطه مقابل فساد قرار دارد و به همین دلیل، در ادبیات حکمرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. هرگاه بحثی درباره رانت، انحصارطلبی یا فساد مطرح شود، مسئله شفافیت به‌عنوان یک چالش اساسی در حکمرانی مطرح می‌شود (Ades, 1999: 982-993). در این چهارچوب، حکمرانی مطلوب باید از طریق تقویت اصول مشارکت، پاسخ‌گویی، عدالت، پیش‌بینی‌پذیری، دموکراسی، حفظ آزادی‌های مدنی و تضمین دسترسی آزاد به اطلاعات، بازتوزیع قدرت را تسهیل نماید.

به تعبیر مایکل جانستون «حکمرانی خوب» «حاکمیت قانون، شفافیت و ذی‌حسابی» را به دنبال دارد و «بهبود حکمرانی مستلزم راهبردی یکپارچه و بلندمدت بر مبنای همکاری بین حکومت و شهروندان» (Johnston, 2003) است. این راهبرد شامل مشارکت همه‌گیر اجتماعی و دینامیسم نهادها می‌شود. حاکمیت قانون، ذی‌حسابی و شفافیت در برخی سطوح، مسائل فنی و حقوقی هستند؛ اما علاوه بر این در جهت ایجاد حکومتی مشروع، کارآمد و مورد حمایت شهروندان و جامعه مدنی نیرومند، باز و قادر به ایفای نقش مثبت در سیاست و حکومت‌داری، نقش تعاملی را ایفا می‌کنند. اهداف حکمرانی خوب عبارتند از «سیاست‌ها و نهادهای مشروع، کارآمد و پاسخ‌گو»، «فرایندها و برآمدهای قابل فهم»، «شفافیت»، «تشویق پایداری حکمرانی خوب»، «ذی‌حسابی عمودی»^۴ و «ذی‌حسابی افقی»^۵. منظور از فرایندها و برآمدهای

1. Accountability
 2. The heart of policymaking
 3. Transparency
 4. Vertical arithmetic
 5. Horizontal arithmetic

قابل فهم، نتایج ملموس سیاست‌ها در زندگی شهروندان، معیارهای روشن برای شکست و موفقیت برنامه‌ها و خطوط مسئولیت‌پذیری و ذی‌حسابی روشن است. مشوق‌های پایداری حکمرانی خوب برای هر گروه اجتماعی متفاوت است؛ برای رهبران، برخورداری از فرصت به رسمیت شناخته شدن، تحسین شدن و اعتبار یافتن؛ برای شهروندان، شانس دستیابی به عدالت و زندگی بهتر و برای جوامع همسایه، به اشتراک‌گذاری بینش‌ها، تجربه‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌ها. ذی‌حسابی عمودی مشخصاً به پاسخ‌گویی حکومت به شهروندان و پذیرش قوانین و سیاست‌ها از سوی شهروندان اشاره دارد. منظور از ذی‌حسابی افقی نیز دسترسی به اطلاعات، حق شهروندان بر مشورت گرفتن از آن‌ها و قدرت نظارت بر زیاده‌روی‌ها و سوءاستفاده‌ها است (جانستون، ۱۳۸۲ و Johnston, 2003). پایه‌های استراتژیک حکمرانی دموکراتیک، به‌عنوان اصول بنیادینی که چهارچوب نقش‌آفرینی دولت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تعیین می‌کنند، نقش اساسی در تحقق حکمرانی مطلوب ایفا می‌نمایند. در نمودار زیر، این مؤلفه‌های کلیدی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر ترسیم شده است.



نمودار ۱: پایه‌های استراتژیک حکمرانی دموکراتیک (منبع: نگارندگان)

۳-۲. جامعه‌شناختی سیاسی و جهش‌های حکمرانی

در سه دهه گذشته، فضای وب تحولات گسترده‌ای را در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایجاد کرده است. این تغییرات از طریق گزارش‌های سالانه نهادهای مرتبط با

کنشگری دیجیتال، به‌طور مستمر ارزیابی و مقایسه می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهای نوین در عرصه زندگی عمومی، چالش‌های اساسی برای مفاهیم و ساختارهای جوامع سنتی به‌وجود آورده‌اند. ویژگی‌هایی همچون انبوه‌سازی داده‌ها، ذخیره‌سازی گسترده، فوریت، هم‌زمانی و اشتراک‌گذاری گسترده موجب تغییرات بنیادین در روابط اجتماعی شده است. این دگرگونی‌ها، گسست‌هایی اساسی در پارادایم‌های جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک ایجاد کرده که می‌توان آن را در چهارچوب «جهش‌های اجتماعی»^۱ تحلیل کرد.

جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک به بررسی روابط میان حکومت و جامعه در چهارچوب دولت ملی مدرن می‌پردازد و بر سه سطح تحلیلی متمرکز است: نخست، تحلیل رفتار سیاسی که الگوهای کنش سیاسی افراد را بر اساس متغیرهای مختلف مطالعه می‌کند. دوم، تحلیل گروهی که شامل رویکردهای نخبه‌گرایانه و کثرت‌گرایانه است و تأثیر گروه‌های سازمان‌یافته بر فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را بررسی می‌کند. سوم، تحلیل دولت که در سنت فکری مارکسیسم به پایگاه اجتماعی و طبقاتی رژیم‌های سیاسی توجه دارد (نش، ۱۳۹۵: ۹). در این رویکردها، دولت ملی به‌عنوان واحد اصلی تحلیل شناخته می‌شود. پارادایم‌های اصلی جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک که بر مفاهیمی مانند دولت ملی، رابطه حکومت و جامعه، نخبگان سیاسی و پایگاه اجتماعی رژیم‌ها تمرکز داشتند، با گسترش ارتباطات جهانی دچار تحولاتی بنیادین شده‌اند. ظهور فناوری‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های الکترونیکی زمینه‌ساز شکل‌گیری پارادایم‌های جدید در جامعه‌شناسی سیاسی است که به‌جای تمرکز بر دولت-ملت، به بررسی ساختارهای اقتدار جهانی، روابط میان حکومت‌ها و فرایندهای جهانی‌شدن در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. در این چهارچوب، جهانی که مانوئل کاستلز از آن به‌عنوان «عصر ارتباطات»^۲ یاد می‌کند، نقش رسانه‌ها را برجسته کرده و در دهه‌های اخیر، کنش‌های جمعی مبتنی بر دغدغه‌های مدنی از طریق رسانه‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند. این فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اظهاری و عاطفی جدیدی را به‌جای الگوهای سنتی مشارکت اجتماعی مطرح کرده است (نوری و قلی‌پور، ۱۳۹۷: ۳۴). بنابراین، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر باید این تغییرات را درک کرده و آن‌ها را در چهارچوب پارادایم‌های جدید تحلیل کند.

1. Social Mutation

2. The age of communication

پارادایم جدید باید تحولات ناشی از انقلاب اطلاعات و تغییرات پیچیده روابط انسان‌ها با واحدهای سیاسی را توضیح دهد، حتی در جوامعی که نتوانسته‌اند مرزهای خود را در برابر شبکه‌های اجتماعی جهانی ببندند. این پارادایم همچنین باید عدم مصونیت حکمرانی از تحولات جهانی و ظهور «نیروهای اجتماعی شبکه‌ای»^۱ ناشی از فناوری‌های مدیریت اجتماعی مانند اینترنت و ماهواره را تشریح کند. این تغییرات حکمرانی را به دو دوره پیش و پس از پیدایش فناوری‌های اطلاعات تقسیم می‌کند و بر نیاز به بازاندیشی در مکانیسم‌های سامان بخشی در عصر مدرنیته متأخر تأکید می‌کند. این پارادایم باید نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی را که در سال‌های اخیر به فضای گسترده‌ای برای کنشگری تبدیل شده‌اند و گفتمان قدرت را به شیوه‌ای پیچیده و شبکه‌ای در فضای مجازی تغییر داده‌اند، توضیح دهد. همچنین باید کنشگری کاربران، بسیج و همسویی پیروان در بستر فرهنگ رسانه‌ای مجازی را تحلیل کند (خانیکی و بصیریان، ۱۳۹۲: ۴۷). شبکه‌های اجتماعی با قدرت روزافزون خود، هویت‌های فردی، کنش‌های جمعی و شیوه‌های کنشگری را از دنیای واقعی متمایز کرده‌اند. مفهوم قدرت در این چهارچوب به نقاط قوت ساختارهای اجتماعی و نهادهای مدنی تغییر یافته و با مفهوم «جامعه شبکه‌ای»^۲ مرتبط می‌شود.

این پارادایم نوین، به تحلیل ظرفیت‌های ساختاری جدید در چهارچوب منابع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قدرت می‌پردازد. در عصر ارتباطات، بازیگران دولتی و غیردولتی با پردازش اطلاعات و بهره‌گیری از آن به‌عنوان اهرم کنش، به گروه‌های مرجع اجتماعی تبدیل می‌شوند. مانوئل کاستلز بر این باور است که قدرت، ماهیتی رابطه‌ای دارد و به کنشگران اجتماعی امکان می‌دهد تا به‌صورت نابرابر و از مسیرهای خاص، تصمیمات ساینرین را تحت تأثیر قرار داده و ارزش‌ها و منافع خود را محقق سازند (کاستلز، ۱۳۹۳). جامعه شبکه‌ای، به تعبیر کاستلز در آثاری چون عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای (۲۰۱۲)، قدرت ارتباطات (۲۰۱۳) و شبکه‌های خشم و امید (۲۰۱۸)، محصول انقلاب اطلاعاتی و داده‌محوری است که گذار از ساختارهای سنتی به شبکه‌ای را رقم زده است. این تحول، دگرگونی‌های عمیقی را در حکمرانی و حکومت‌داری پدید آورده و نقش شبکه‌ها را در شکل‌گیری کنش‌های سیاسی، اعتراضات غیررسمی و جنبش‌های اجتماعی برجسته ساخته است. بسیاری از این تحولات، از جمله مبارزات حقوق بشری و کمپین‌های اعتراضی، در بستر شبکه‌های

1. Networked social forces
2. Networked community

اجتماعی مانند اینستاگرام، فیس‌بوک و سیگنال شکل می‌گیرند و گروه‌های تحت فشار، با استفاده از این فضاها به بسیج نیروهای خود در برابر سیاست‌های سرکوبگرانه می‌پردازند.

حکمرانی در این پارادایم دچار تحولات اساسی می‌شود و به تعبیر مانوئل کاستلز و همکارانش در کتاب «تحولات حکمرانی در عصر جهانی‌شدن» (کاستلز و همکاران، ۱۳۹۸)، با ظهور بازیگران غیردولتی، غیر حکومتی و حکمرانی جهانی بازیگران فراملی، جامعه مدنی جهانی و دموکراسی جهانی همراه است. همین ایده توسط کیت نش نیز در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی معاصر» (نش، ۱۳۹۵) تأکید می‌شود. به‌طور کلی، حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان نتیجه‌ای ملموس از جامعه و زندگی شبکه‌ای ظهور یافته است، جایی که حکومت‌داری کلاسیک دیگر تنها شکل حکمرانی نیست و بازیگران سیاست تنها دولت و گروه‌های اجتماعی مرسوم نیستند. علاوه بر این، فراتر از جهانی‌شدن و ارتباطات، شبکه‌ای شدن زندگی سیاسی، حکمرانی و نیروهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. نمودار شماره (۲)، گذار از وضعیت کلاسیک به وضعیت شبکه‌ای را ترسیم می‌کند.



نمودار شماره ۲: جهش‌های جامعه‌شناختی حکمرانی (منبع: نگارندگان)

۴. تحولات حکمرانی دموکراتیک در جامعه شبکه‌ای

حکمرانی دموکراتیک با انتقال به ساختار شبکه‌ای، تغییرات اساسی را تجربه کرده است که ناشی از فضای دیجیتال و اینترنتی است. این تحولات سیاست را در بستر آنلاین تعریف کرده و حکمرانی را تحت تأثیر الگوهای وب‌محور قرار داده است. این

تغییرات منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و کمپین‌های سیاسی جدید با دامنه گسترده‌تر و قابلیت سرریز بیشتر شده است. حکمرانی در دنیای شبکه‌ای با چالش‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، شفافیت، خلأ مشارکت و بحران تنظیم‌گری دولت‌های مرکزی مواجه است. یکی از ویژگی‌های فضای سایبری عدم وجود الزامات کافی برای پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری در برابر مطالبات است. با وجود پذیرش عمومی گسترش مشارکت و ورود بازیگران غیرحکومتی به دنیای دیجیتال، بسیاری معتقدند که این بازیگران نسبت به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌دولتی، از نظر پاسخ‌گویی و دموکراسی در سطح پایین‌تری قرار دارند (کریمی‌مله و رحمتی، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

شفافیت به معنای انجام «مناسبات رسمی»^۱ به‌گونه‌ای است که «اطلاعات اساسی و رویه‌ای در دسترس افراد قرار گیرد و به‌طور گسترده‌ای برای افراد و گروه‌های جامعه، با رعایت محدودیت‌های منطقی محافظت از امنیت و حریم خصوصی قابل درک باشد (Johnston, 2003: 2). در بستر سایبرپلیتیک و شبکه‌های اجتماعی، شفافیت با چالش‌هایی روبه‌رو است. انتشار خودکار اطلاعات می‌تواند شفافیت را نقض کند، زیرا بسیاری از اطلاعات در فضای دیجیتال به‌صورت اخبار جعلی منتشر می‌شوند یا برای منافع شخصی و سیاسی بهره‌برداری می‌شوند، که این امر بر جریان شفافیت ارتباطات تأثیر منفی می‌گذارد.

مشارکت سیاسی یکی از ویژگی‌های مهم جامعه مدنی است که ارتباط میان جوامع مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌کند. در عصر رسانه‌های سایبری و مجازی که به حوزه عمومی جدید تبدیل شده‌اند، این رسانه‌ها به‌طور مستقیم قدرت را هدف قرار داده و نهادهای مدنی جدید را در فضای سایبری شکل داده‌اند که موجب تغییرات قابل‌توجهی در جامعه مدنی شده است. شبکه‌های اجتماعی با ویژگی‌هایی مانند تعامل‌پذیری، هم‌زمانی و نبود نظارت مرزی، فضایی برای تقویت دموکراسی فراهم کرده‌اند. این رسانه‌ها نه تنها ابزار آگاهی‌دهی بلکه صحنه‌ای برای مشارکت و کنش سیاسی شده‌اند؛ اما نبود این‌گونه رسانه‌ها در جوامع می‌تواند مفهوم دموکراسی را تحلیل ببرد (نظری و قلی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۵۴). در دنیای شبکه‌ای، پدیده «خلأ مشارکت» در دموکراسی‌های شبکه‌ای به‌وجود آمده است. این خلأ با جذب بازیگران غیردولتی تغییر ماهیت یافته است؛ اما دولت‌ها همچنان کانون تدوین استراتژی‌ها و دستور کارهای عمومی باقی می‌مانند (کریمی‌مله و رحمتی، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

با گسترش و پیچیدگی ارتباطات، افراد بیشتری از دسترسی به اطلاعات و فرصت‌های مشارکت در عرصه‌های عمومی بهره‌مند می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی این امکان را برای افکار عمومی فراهم می‌کنند تا به‌طور مستقیم و بدون واسطه از حق دانستن بهره‌مند شوند و فرصتی برای بسیج اجتماعی ایجاد کنند. این شبکه‌ها به کاربران اجازه می‌دهند دیدگاه‌های خود را سازماندهی کرده، احساس همبستگی گروهی داشته باشند و درعین حال هویت خود را پنهان کنند. به همین دلیل، فضای شبکه‌های اجتماعی به گسترش مشارکت اجتماعی و تقویت جریان‌های سیاسی و اجتماعی کمک می‌کند و صدای افکار عمومی را به‌طور بی‌واسطه بازتاب می‌دهد. این امر به جای «مونولوگ» رسانه‌ها و سیاست‌های سنتی، به «دیالوگ انتقادی»^۱ تبدیل می‌شود (ابراهیمی‌فر و یعقوبی‌فر، ۱۳۹۳: ۷۴).

یکی از تحولات اساسی حکمرانی در بستر سایبرپلیتیک، مداخلات مستمر حکومت‌ها در فیلترینگ و تعیین محدودیت‌ها برای شبکه‌های اجتماعی است. بسیاری از حکومت‌ها برای نفوذ در فرایندهای سیاسی، نظیر انتخابات، به دست‌کاری سایبرکمپین‌ها و جنبش‌های سایبری پرداخته و اطلاعات را تحت کنترل و مانیتورینگ هوشمند قرار می‌دهند. این مداخلات به مانعی بزرگ در برابر حکمرانی دموکراتیک تبدیل شده است. تنظیم‌گری فضای سایبر توسط حکومت‌ها مانع از تقویت مشارکت و مسئولیت‌پذیری شده و به‌جای آن در خدمت نخبگان سیاسی قرار می‌گیرد. همچنین، دست‌کاری اطلاعات در پلتفرم‌هایی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام، تلگرام و توئیتر به‌طور مستقیم بر اصول دموکراسی مانند آزادی اجتماعات و انتخابات آزاد تأثیر می‌گذارد. نمونه‌هایی از این مداخلات در انتخابات اوکراین، گرجستان و ایالات متحده در ۲۰۱۶ قابل مشاهده است که تهدیدی جدی برای دموکراسی به‌شمار می‌روند.

۴-۱. حکمرانی، جنبش‌های سایبری و سایبر کمپین

حکمرانی و سایبرپلیتیک با ویژگی‌های ذکر شده، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری «جنبش‌های سایبری»^۲ و «سایبر کمپین‌ها»^۳ در حوزه‌های مختلف را فراهم کرده است. جنبش‌های اجتماعی که در بستر فضای سایبری ظهور کرده‌اند، تأثیرات عمیقی بر تحولات اجتماعی و سیاسی داشته‌اند و نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیران را تحت

1. Critical dialogue
2. Cyber movements
3. Cyber campaigns

تأثیر خود قرار داده‌اند. در سال‌های اخیر، جنبش‌های زیست‌محیطی از ظرفیت‌های فضای سایبری برای گسترش پیام خود و بسیج افکار عمومی بهره برده‌اند. برخی از این جنبش‌ها عبارت‌اند از:

۴-۱-۱. جنبش اعتصاب علیه تغییرات اقلیمی

این جنبش که توسط «گرتا تونبری»^۱، نوجوان سوئدی، بنیان‌گذاری شد، ابتدا با اعتصاب مدرسه‌ای در استکهلم آغاز شد و در سپتامبر ۲۰۱۹ با سخنرانی تونبری در سازمان ملل متحد علیه سیاست‌های زیست‌محیطی رهبران جهانی به اوج خود رسید. شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و اینستاگرام به بستری کلیدی برای گسترش این اعتراضات تبدیل شدند و توانستند تغییرات اقلیمی را به یکی از موضوعات اصلی در تحولات سیاسی و اجتماعی بین‌المللی بدل کنند. این فعالیت‌ها، گرتا را به یکی از چهره‌های برجسته جنبش‌های زیست‌محیطی در سطح جهانی تبدیل کرد.

۴-۱-۲. جنبش سایبری «جهت‌گیری منصفانه»^۲

این جنبش پس از شکست تلاش رسمی اتحادیه اروپا برای تصویب قانونی تحت عنوان «جهان عاری از کربن» در دانمارک آغاز شد. اهداف و مرام‌نامه این جنبش به‌طور گسترده در فضای سایبری منتشر شد و به موفقیت‌هایی دست یافت. جنبش جهت‌گیری منصفانه به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۰ در فضای سایبری فعالیت کرد و به‌دنبال توقف قطع درختان و حفاظت از فضای سبز در دانمارک تا سال ۲۰۵۰ بود. این جنبش سایبری توانست به‌طور مؤثر سیاست‌مداران و فعالان اقتصادی مرتبط با صنعت چوب را تحت فشار قرار دهد. همچنین، کارزار سایبری «کاهش کربن»^۳ در دانمارک نیز در همین فضا شکل گرفت و هدف آن کاهش میزان کربن تا سال‌های ۲۰۳۰-۲۰۴۰ به صفر بود.

۴-۱-۳. کارزار سایبری «کسب‌وکار و تجارت سبز»^۴

این جنبش که در سال ۲۰۱۹ در فضای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دانمارک شکل گرفت، یکی از مهم‌ترین ابتکارات در راستای مبارزه با تغییرات اقلیمی و حمایت از

1. Greta Thunberg
2. Fair orientation
3. Carbon reduction
4. Green business and commerce

مشاغل با کمترین تأثیر منفی بر محیط زیست بود. این کارزار هدف داشت تا مشاغل و کسب‌وکارهایی که به‌عنوان «مشاغل سبز»^۱ شناخته می‌شوند و در حفظ محیط زیست نقش دارند، مورد حمایت قرار گیرند. در این راستا، تلاش می‌شد تا مشاغل با کمترین میزان آلودگی و مصرف منابع طبیعی ترویج شوند.

این جنبش و کارزارهای سایبری دیگر نیز به‌طور فزاینده‌ای در راستای مسائل زیست‌محیطی مختلف شکل گرفته‌اند. برخی از این کارزارها و جنبش‌ها به مبارزه با استفاده از حشره‌کش‌ها، تغییرات اقلیمی، حراست از مناطق قطبی شمال و جنوب، کاهش گازهای گلخانه‌ای، مقابله با تشعشعات هسته‌ای، کاهش گرمایش زمین و مدیریت صحیح زباله‌های بهداشتی پرداخته‌اند. این جنبش‌ها اغلب در فضای آنلاین و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند، جایی که افراد و گروه‌های مختلف قادرند با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال صدای خود را بلند کرده و بر تصمیمات سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار باشند.

۴-۲. سایبرمدیا و بین‌المللی شدن رفتار سیاسی

از اواسط دهه ۱۹۹۰، اینترنت به‌عنوان نیروی جدیدی برای تغییر جامعه مدرن وارد عرصه اجتماعی شد. یکی از جنبه‌های قابل توجهی که اینترنت تغییرات عمده‌ای در آن ایجاد کرد، سیاست بود. اینترنت سه تغییر عمده در سیاست به وجود آورد:

تغییر اول که دسترسی مستقیم مردم به سیاست‌مداران را فراهم کرده است، باعث شده که سیاست‌مداران دیگر نیاز به رسانه‌های سنتی برای ارتباط با مردم نداشته باشند. این تحول به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با استفاده از شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر، اینستاگرام و فیس‌بوک، به‌طور مستقیم و بی‌واسطه با رأی‌دهندگان ارتباط برقرار کنند و حتی نظرات خود را در زمان واقعی منتشر نمایند.

تغییر دوم نیز در زمینه مشارکت شهروندان است. اینترنت علاوه بر فرایندهای سنتی نظیر رأی دادن و تحصن، فرصت‌های جدیدی برای مشارکت فعال فراهم آورده است. مردم حالا می‌توانند از طریق تشکیل کمپین‌های آنلاین، نوشتن وبلاگ‌ها و به اشتراک‌گذاری نظرات و دیدگاه‌های خود در شبکه‌های اجتماعی به فرایندهای سیاسی وارد شوند. این شکل از مشارکت، دیگر به تجمعات عمومی یا نامه‌نویسی محدود نمی‌شود و مردم به‌راحتی می‌توانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند.

سومین تغییر نیز مربوط به ظهور گروه‌های جدید در فرایند سیاسی است. پیش از ظهور اینترنت، تنها گروه‌های بزرگ یا تخصصی قادر به اثرگذاری در سیاست بودند؛ اما اینترنت این امکان را به گروه‌های کوچک‌تر و محلی داده است که حتی از طریق پلتفرم‌های آنلاین به سازماندهی و مشارکت در امور سیاسی پرداخته و در تغییرات اجتماعی و سیاسی تأثیر بگذارند (Encyclopedia, 2022).

۳-۴. نقش دوگانه رسانه‌های بین‌المللی شده در حکمرانی؛ ابزار توانمندسازی یا کنترل سیاسی؟

رسانه‌های بین‌المللی شده نقش دوگانه‌ای در حکمرانی ایفا می‌کنند؛ از یک سو به عنوان ابزاری برای هماهنگی و تقویت پیام‌های اپوزیسیون عمل کرده و از سوی دیگر، به ابزاری در دست حکومت‌ها برای سرکوب مخالفان تبدیل می‌شوند. این دوگانگی، نشان‌دهنده آن است که رسانه‌های جدید نه تنها نقش تسهیل‌کننده اعتراضات و تغییرات سیاسی را ایفا می‌کنند، بلکه می‌توانند به ابزاری برای حفظ رژیم‌های موجود تبدیل شوند. همچنین، استفاده‌های نوظهور از فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی، مانند توئیتر، به طور مستقیم در چهارچوب کلی ثبات دولت و تغییرات در پویایی مسئولیت‌ها و فعالیت‌های اپوزیسیون در جهان واقعی و سایبری مورد توجه قرار می‌گیرند. با این حال، این ابعاد همچنان کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تأثیر آن‌ها در تحلیل ثبات دولت‌ها نیازمند پژوهش‌های بیشتری است (Goldsmith, 2012: 1321).

اصطلاح «رسانه‌های بین‌المللی شده جدید»^۱ به مجموعه‌ای از اشکال مختلف ارتباط الکترونیکی اشاره دارد که از طریق فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنتی امکان‌پذیر شده است. این اصطلاح به این معناست که ارتباطات داده‌ای میان محیط‌های شبکه‌ای، رسانه‌ای و محتوای وبسایت‌ها در حال انجام است. تحلیل رفتار این رسانه‌ها و روابط مدیریت اطلاعات سیاسی نشان می‌دهد که آن‌ها تأثیر عمده‌ای بر فرایندهای سیاسی، به ویژه در انتخابات کشورهایمانند نیجریه و ونزوئلا دارند. رسانه‌های جدید نه تنها در انتقال داده‌ها بلکه در تسهیل ارتباطات اجتماعی و مشارکت در روندهای سیاسی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها با توجه به امکانات بی‌پایانی که در اختیار دارند، قادر به مدیریت اطلاعات سیاسی هستند و در فرایند سیاست‌گذاری نقش کلیدی دارند. از یک سو، این رسانه‌ها می‌توانند نظم قدیمی حاکمیتی را تحت تأثیر قرار دهند و از

1. New internationalized media

سوی دیگر، به پیوند دادن انتظارات، اهداف و آرزوهای سیاسی میان خواستاران سیاسی و انتخاب‌کنندگان کمک کنند. به همین دلیل، رسانه‌های بین‌المللی شده جدید فضای شبکه‌ای را به سمت راست‌گرایی سوق داده و در کنار سایبرپلیتیک، بر فرایند کلی سیاست‌گذاری و بدنه سیاست تأثیر می‌گذارند.

رسانه‌های بین‌المللی شده جدید، برخلاف رسانه‌های گذشته، امکان دسترسی درخواستی به محتوا را در هر زمان و مکانی از طریق دستگاه‌های دیجیتال مختلف فراهم می‌کنند. این ویژگی آن‌ها را به ابزاری مؤثر در فضای سیاسی تبدیل می‌کند. این رسانه‌ها با استفاده از فرایند تعاملی شبکه‌ای بین کاربران و مدیریت اطلاعات سیاسی و حکومتی، امکان مشارکت خلاقانه و تشکیل جوامع شبکه‌ای حول محتوای تولید شده را بیشتر می‌سازند. در واقع، رسانه‌های جدید نه تنها خود فرایندهای دموکراتیک را دموکراتیزه می‌کنند بلکه این فرایندها را در معرض چالش قرار می‌دهند. به همین دلیل، رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان بخشی از پروژه «تصاحب مجدد فضای عمومی»^۱ به کار گرفته می‌شوند که شامل تجمع گروه‌های مختلف در مکان‌های «تسخیر شده»^۲ نظیر میدان تحریر قاهره یا پارک زاکوتی نیویورک است. این فضاها نمایانگر نوعی مبارزه و اعتراضی هستند که در بستر رسانه‌های جدید و از طریق توثیقات و سایر ابزارهای آنلاین به‌وجود آمده‌اند. این امر هم به جنبه‌های خلاقانه اعتراضات جدید اشاره دارد و هم به خطراتی که ممکن است منجر به انحطاط سیاسی و تضعیف فرایندهای دموکراتیک شود (Gerbaudo, 2012).

۴-۴. رسانه‌های بین‌المللی شده و رفتار دموکراتیک

رسانه‌های بین‌المللی شده جدید یکی از ویژگی‌های برجسته خود را «دموکراتیزه‌سازی»^۳ فرایندهای ایجاد، انتشار، توزیع و مصرف محتوای رسانه‌ای می‌دانند. این رسانه‌ها به‌ویژه با قابلیت تولید محتوای بی‌درنگ و عدم ارزش‌گذاری محتوای تولید شده ویژگی‌های خاصی دارند که موجب تأثیر عمیقی بر رفتار سیاسی و دموکراتیک می‌گردد. فناوری‌های رسانه‌ای جدید، با ایجاد ارتباطات درهم‌تنیده در مقیاس وسیع، زمینه‌ساز تلاش‌های دموکراتیک در حوزه رفتار سیاسی هستند و از این رو، تأثیرات قابل توجهی بر محیط سیاسی بر جای می‌گذارند (Nwabueze &)

1. Reclaiming public space

2. Possessed

3. Democratization

(Ezebuenyi, 2012). این رسانه‌ها به‌ویژه با بازسازی روابط و محیط‌های سیاسی و اجتماعی در بستر انسان‌های شبکه‌ای و با ایجاد و انتشار اطلاعات مدیریت‌نشده، موجب تسریع فرایندهای سیاسی و افزایش سرعت انتقال داده‌های سیاسی می‌شوند. این تغییرات نه‌تنها به افزایش آگاهی و بسیج اجتماعی منجر می‌شود، بلکه می‌توان آن را به‌عنوان پاسخ طبیعی و ذاتی انسان در دنیای شبکه‌ای به رخداد‌های سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت. با این حال، تأثیرات قابل‌توجه رسانه‌های جدید بر جامعه، تحت تأثیر نیروهای متقابل و محدودکننده‌ای قرار دارد که بسته به ویژگی‌های محیط سیاسی، از یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر تفاوت‌هایی خواهند داشت. این نیروها می‌توانند تأثیرات رسانه‌های جدید را محدود کرده و در فرایند شکل‌دهی به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی نقشی محدودکننده ایفا کنند.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۵-۱. تغییر و تحولات حکمرانی دموکراتیک در بستر سایبرپلیتیک

شناخت روزافزون و استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی و به‌کارگیری آن‌ها در فرایندهای سیاسی، نقشی که رسانه‌های جدید در شکل‌دهی به سیاست و جامعه ایفا می‌کنند را به‌وضوح نمایان می‌سازد. به‌طور خاص، اتکا به عبارات و کلمات خاص منجر به شکل‌گیری هشتک‌های سایبری شده است که پیام‌های اقناع‌ساز را در قالب‌های جدیدی از جمله بسته‌بندی‌های دیجیتال ارائه می‌دهند. این هشتک‌ها و پیام‌ها به‌ویژه توسط رهبران کارزارهای انتخاباتی و احزاب سیاسی به‌منظور متقاعد کردن رأی‌دهندگان به مشارکت سیاسی، دعوت به اقدام سیاسی و حتی انتقال پیام‌های خاص نظیر گرایش‌های ملی‌گرایانه یا ملی‌زدایی طراحی و به‌کار گرفته می‌شوند. از این‌رو، رسانه‌های اجتماعی به ابزاری مؤثر برای تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی تبدیل شده‌اند، به‌گونه‌ای که می‌توانند موجب تغییر یا تثبیت وضعیت سیاسی موجود شوند. در تحلیل حکمرانی دموکراتیک در بستر سایبرپلیتیک، شناسایی و درک «تحولات حکمرانی»^۱ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحولات که به‌عنوان چالش‌های موجود در فضای سایبری شناخته می‌شوند، نمایانگر موانعی هستند که تحقق اصول دموکراتیک را در این فضا دچار مشکل می‌کنند. تحولاتی همچون شفافیت،

مسئولیت‌پذیری، مشارکت سیاسی و تنظیم‌گری، می‌توانند تأثیرات منفی بر مشروعیت و کارآمدی حکومت‌ها در دنیای دیجیتال داشته باشند. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی دموکراتیک در بستر سایبرپلیتیک با تحولات قابل توجهی مواجه است. از جمله این تحولات می‌توان به تغییرات در شفافیت، تنظیم‌گری، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اشاره کرد.

۵-۱-۱. شفافیت

تحولات حکمرانی دموکراتیک در بستر سایبرپلیتیک موجب چالش‌هایی در حوزه شفافیت شده است. علی‌رغم دسترسی گسترده‌تر به اطلاعات و داده‌ها در فضای مجازی، مشکلاتی چون انتشار اطلاعات نادرست، کنترل نامحسوس جریان‌های اطلاعاتی توسط بازیگران دولتی و غیردولتی و فقدان شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری دیجیتال، مانع تحقق شفافیت واقعی در حکمرانی سایبری می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۳). این تحولات می‌تواند موجب کاهش اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی و سیاست‌گذاری‌های عمومی گردد.

۵-۱-۲. تنظیم‌گری

با توسعه سریع رسانه‌های بین‌المللی شده و ظهور شبکه‌های اجتماعی، نظارت و تنظیم‌گری بر محتواهای دیجیتال به یک چالش اساسی تبدیل شده است. بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی فاقد چهارچوب‌های حقوقی و مقرراتی مناسب برای مدیریت اطلاعات در فضای سایبری هستند. از سویی، مقررات سخت‌گیرانه می‌تواند آزادی بیان را محدود کند و از سوی دیگر، نبود تنظیم‌گری مناسب منجر به گسترش اخبار جعلی، مداخلات خارجی در انتخابات و سوءاستفاده از داده‌های شخصی شهروندان می‌شود (Hart et al, 2021: 862).

۵-۱-۳. مسئولیت

در بستر سایبرپلیتیک، مسئولیت‌پذیری نهادهای حکمرانی و بازیگران مختلف، از جمله دولت‌ها، شرکت‌های فناوری و کاربران، به‌طور واضح و مشخص تعریف نشده است. عدم شفافیت در تعیین مسئولیت‌ها، از جمله اینکه چه نهادی مسئول کنترل اطلاعات، جلوگیری از دست‌کاری رسانه‌ای و مقابله با حملات سایبری است، به چالشی اساسی

تبدیل شده است. این تحولات حکمرانی می‌تواند منجر به گسترش بی‌ثباتی و افزایش استفاده ابزاری از فضای مجازی برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی شود.

۵-۱-۴. مشارکت

یکی از مهم‌ترین تحولات حکمرانی دموکراتیک در بستر سایبرپلیتیک، مشارکت است. با وجود دسترسی گسترده به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی که بسترهای جدیدی برای مشارکت سیاسی فراهم کرده‌اند، هنوز سازوکارهای سنتی مشارکت تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها با دنیای دیجیتال تطابق کامل نیافته‌اند. این تحولات حکمرانی در سه حوزه اصلی به‌وضوح قابل مشاهده است: اولاً، «ذی‌حسابی»^۱ در سایبرپلیتیک به مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی بازیگران سیاسی در برابر مشارکت شهروندان اشاره دارد. علی‌رغم افزایش دسترسی به اطلاعات و نظارت عمومی، نبود سازوکارهای اجرایی برای اعمال فشار بر نهادهای حکمرانی باعث شده تا شهروندان نتوانند به‌طور مؤثر مسئولیت‌پذیری مقامات را مطالبه کنند. این وضعیت مشروعیت فرایندهای دموکراتیک را به چالش کشیده است. ثانیاً، «بسیج موضوعی»^۲ به توانایی فضای دیجیتال در سازماندهی و هدایت افکار عمومی پیرامون موضوعات خاص اشاره دارد. اگرچه رسانه‌های نوین ابزارهای مؤثری برای بسیج اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌آیند، بسیاری از جنبش‌های سایبری به‌دلیل ناپایداری و عدم ارتباط مستمر با سازوکارهای اجرایی و سیاست‌گذاری، تأثیرات کوتاه‌مدتی دارند. نهایتاً، «مشارکت غیردولتی»^۳ به نقش سازمان‌های جامعه مدنی، شرکت‌های فناوری و دیگر بازیگران غیردولتی در حکمرانی دیجیتال مربوط می‌شود (Khan and Gohar, 2017). این بازیگران می‌توانند در تسهیل شفافیت، تنظیم‌گری و مسئولیت‌پذیری اثرگذار باشند؛ اما عدم تعامل مؤثر میان دولت و نهادهای غیردولتی، کارآمدی مشارکت را محدود کرده است.

۵-۲. سایبرکمپین‌ها و ویژگی‌های دیجیتالی‌شدن حکمرانی

با ظهور فضای سایبری و تحولات فناورانه، بستر جدیدی برای کنش‌های سیاسی و اجتماعی فراهم گردیده است. در این راستا، جنبش‌های سایبری و سایبرکمپین‌ها به‌عنوان دو مؤلفه کلیدی در فرایندهای سیاسی و حکمرانی دموکراتیک، مورد توجه

1. Accountability

2. Thematic Mobilization

3. Non-Governmental Participation

قرار گرفته‌اند. این پدیده‌ها، شیوه‌های بسیج اجتماعی، اعتراضات سیاسی، مشارکت مدنی و اعمال فشار بر نهادهای حکمرانی را دگرگون ساخته و سیاست را از خیابان‌ها به شبکه‌های دیجیتال منتقل کرده‌اند. این تغییرات که با ویژگی‌های خاصی همراه هستند، موجب شکل‌گیری سازوکارهای جدیدی در تعامل میان دولت‌ها، نهادهای مدنی و شهروندان شده‌اند (Basu and Subhajit, 2004). بر اساس جدول یافته‌ها، در این بخش ویژگی‌های کلیدی دیجیتالی شدن حکمرانی در چهارچوب سایبرپلیتیک مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؛

۵-۲-۱. انقلاب در زندگی سیاسی

ظهور رسانه‌های دیجیتال و ابزارهای ارتباطی نوین، زندگی سیاسی شهروندان را متحول کرده است. افراد اکنون می‌توانند به‌طور مستقیم در فرایندهای سیاسی مشارکت داشته باشند؛ به اطلاعات بی‌درنگ دسترسی پیدا کنند و در تصمیم‌گیری‌های جمعی نقش‌آفرینی کنند. این تحول، ساختارهای سنتی سیاست را به چالش کشیده و زمینه را برای توسعه اشکال جدیدی از مشارکت سیاسی و حکمرانی باز کرده است.

۵-۲-۲. کنشگری بدون محدودیت

دیجیتالی شدن حکمرانی، موانع فیزیکی و جغرافیایی را از میان برداشته و به شهروندان اجازه داده است که بدون نیاز به حضور فیزیکی در فضاهای سیاسی، کنشگری کنند. امکان ارتباط فوری با سایر کنشگران، بسیج سریع نیروها و پیگیری مسائل سیاسی از هر نقطه جهان، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای افزایش نفوذ و مشارکت عمومی فراهم کرده است.

۵-۲-۳. کنش سیاسی شبکه‌ای

فضای دیجیتال، الگوی کنش سیاسی را از حالت سلسله‌مراتبی و مبتنی بر نهادهای رسمی به یک مدل شبکه‌ای تبدیل کرده است. در این مدل، بازیگران مختلف (شهروندان، گروه‌های مدنی، رسانه‌های مستقل و حتی بازیگران غیردولتی) می‌توانند به‌طور مستقیم با یکدیگر تعامل کنند، اطلاعات را به اشتراک بگذارند و ائتلاف‌های سیاسی را شکل دهند. این تحول، نقش احزاب سیاسی و نهادهای واسطه‌ای را کم‌رنگ کرده و موجب تسهیل بسیج اجتماعی و اعتراضات گسترده شده است.

۴-۲-۵. مشارکت فعال در تولید محتوا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکمرانی دیجیتال، تغییر نقش شهروندان از مصرف‌کننده اطلاعات به تولیدکننده محتوا است. رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، به افراد امکان داده‌اند که دیدگاه‌های خود را منتشر کنند، تحلیل‌های سیاسی ارائه دهند و به صورت مستقل در فرایندهای اطلاعاتی مشارکت داشته باشند. این روند، موجب گسترش «چندصدایی»^۱ در فضای عمومی و کاهش انحصار رسانه‌های جریان اصلی شده است.

۵-۲-۵. کم‌هزینه بودن

فعالیت‌های سیاسی در بستر دیجیتال، نسبت به روش‌های سنتی مشارکت سیاسی کم‌هزینه‌تر است. برگزاری کارزارهای انتخاباتی، سازماندهی اعتراضات، انتشار بیانیه‌های سیاسی و بسیج افکار عمومی از طریق شبکه‌های اجتماعی، هزینه‌های مالی و اجرایی را به طور چشمگیری کاهش داده است. این ویژگی، امکان مشارکت گروه‌های کوچک و مستقل را در رقابت‌های سیاسی افزایش داده و به تنوع بیشتر در فضای سیاسی منجر شده است.

۶-۲-۵. حذف مجاری واسطه

در گذشته، نهادهای رسانه‌ای، احزاب و گروه‌های واسطه، نقش مهمی در انتقال اطلاعات و تعامل میان شهروندان و دولت‌ها ایفا می‌کردند؛ اما فضای دیجیتال، این واسطه‌ها را حذف کرده و امکان برقراری ارتباط مستقیم بین سیاستمداران و رأی‌دهندگان را فراهم ساخته است. این امر، ضمن افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی، به شهروندان قدرت بیشتری در تأثیرگذاری بر سیاست‌ها داده است.

۷-۲-۵. آگاهی‌دهی

فناوری‌های دیجیتال، انتشار سریع و گسترده اطلاعات را تسهیل کرده‌اند و نقش مهمی در آگاهی‌بخشی سیاسی ایفا می‌کنند. شهروندان اکنون می‌توانند اخبار، تحلیل‌ها و دیدگاه‌های مختلف را از منابع گوناگون دریافت کنند، بر عملکرد دولت‌ها نظارت داشته باشند و به طور مؤثرتری در فرایندهای دموکراتیک مشارکت کنند. این ویژگی، موجب افزایش سواد رسانه‌ای و تقویت فرهنگ سیاسی شده است.

۵-۲-۸. فراگیر شدن

حکمرانی دیجیتال، دامنه مشارکت را افزایش داده و گروه‌های مختلف اجتماعی را به فضای سیاسی وارد کرده است. زنان، جوانان، اقلیت‌های قومی و گروه‌های کم‌برخوردار که در مدل‌های سنتی حکمرانی نقش کم‌رنگ‌تری داشتند، اکنون از طریق ابزارهای دیجیتال می‌توانند دیدگاه‌های خود را بیان کنند و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مشارکت فعال داشته باشند.

۵-۲-۹. غیررسمی شدن

فضای دیجیتال، ساختارهای رسمی حکمرانی را با چالش مواجه کرده و زمینه را برای افزایش تأثیرگذاری کنشگران غیررسمی فراهم ساخته است. فعالان اجتماعی، روزنامه‌نگاران شهروندی و حتی کاربران عادی شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بدون وابستگی به نهادهای رسمی، بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند. این روند، موجب تغییر در معادلات قدرت و افزایش «پویایی سیاسی»^۱ شده است.

۵-۳-۳. اثرات حکمرانی سایبرپلیتیک و شبکه‌ای شدن حکمرانی

سایبرپلیتیک به‌عنوان یکی از پدیده‌های کلیدی در عصر دیجیتال، مفهوم حکمرانی را دگرگون کرده و شکل جدیدی از تعامل میان دولت‌ها، شهروندان و نهادهای سیاسی را ایجاد کرده است. این تحولات، مجموعه‌ای از اثرات را به دنبال داشته‌اند که بر فرایندهای حکمرانی، کنش‌های جمعی و تجربه کاربران تأثیر گذاشته‌اند. در ادامه، این اثرات و سازوکارهای مرتبط با آن‌ها بررسی می‌شود:

۵-۳-۱. اثرات فرایندی

اثرگذاری سایبرپلیتیک بر «فرایندهای حکمرانی»^۲ را می‌توان در سه بُعد اساسی تحلیل کرد. نخستین بعد، «تغییر بنیادین قدرت»^۳ است که به‌واسطه ظهور فناوری‌های دیجیتال، الگوهای سنتی قدرت دگرگون شده و قدرت از نهادهای متمرکز دولتی به شبکه‌های غیرمتمرکز منتقل گردیده است. در این بستر جدید، بازیگران غیردولتی نظیر فعالان مدنی، رسانه‌های جایگزین و گروه‌های سایبری قادرند به‌طور

1. Political dynamics
2. Governance processes
3. fundamental shift in power

مستقیم بر فرایندهای حکمرانی تأثیرگذار باشند. دومین بعد، «تعامل دوطرفه»^۱ است که برخلاف مدل‌های حکمرانی سنتی که در آن‌ها ارتباط میان دولت و شهروندان یک‌سویه و مبتنی بر اعمال فرمانروایی از بالا به پایین بود، فضای سایبری امکان ارتباط دوسویه و مشارکت فعال را فراهم کرده است. در این محیط، دولت‌ها می‌توانند از بازخوردهای عمومی برای اصلاح و بهینه‌سازی سیاست‌های خود بهره‌برداری کنند، درحالی‌که شهروندان نیز فرصت دارند تا در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند و نظرات خود را به‌طور مستقیم در این فرایندها انعکاس دهند. در نهایت، سومین بعد «دسترسی به فرایندهای سیاسی»^۲ است که سایبرپلیتیک موانع موجود در مسیر مشارکت سیاسی را کاهش داده و به شهروندان این امکان را می‌دهد تا به اطلاعات سیاسی، فرایندهای تصمیم‌گیری و ابزارهای مشارکت به‌طور گسترده‌تری دسترسی پیدا کنند (Solonet & Cardinal, 2008). این تسهیل دسترسی موجب افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در حکمرانی شده و به تقویت فرایندهای دموکراتیک و نهادهای مدنی کمک می‌کند. این سه بُعد در مجموع تأثیرات عمیق و بنیادینی را بر فرایندهای حکمرانی و شیوه‌های جدید حکومت‌داری در عصر سایبرپلیتیک به نمایش می‌گذارند.

۵-۳-۲. اثرات مربوط به کنش جمعی

تحول در حکمرانی دیجیتال شیوه‌های بسیج اجتماعی و «کنش جمعی»^۳ را تغییر داده است. سه اثر کلیدی آن عبارت‌اند از: نخست، تسهیل بسیج اجتماعی که به جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های مدنی امکان سازماندهی سریع و تأثیرگذاری سیاسی بدون منابع گسترده را می‌دهد، مانند جنبش‌های اعتراضی در بهار عربی. دوم، افزایش هماهنگی میان کنشگران که فضای شبکه‌ای باعث تسهیل ارتباط سریع‌تر و مؤثرتر میان گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شده و تأثیر جنبش‌های مدنی را در سیاست‌گذاری‌ها تقویت می‌کند. سوم، چالش برای کنترل دولتی که با ظهور رسانه‌های جایگزین و انتشار سریع محتوا، انحصار دولت‌ها در هدایت فرایندهای سیاسی کاهش یافته است. این تحولات به تغییرات اساسی در فرایند حکمرانی و ساختارهای قدرت منجر شده است.

1. Two-way interaction
2. access to political processes
3. Collective action

۳-۳-۵. اثرات برای کاربران

تجربه کاربران در محیط سایبرپلیتیک تحت تأثیر تحولات دیجیتال به شدت تغییر کرده است. این تغییرات را می‌توان در سه حوزه اصلی تحلیل کرد: نخست، «مانیتورینگ»^۱ که به کاربران امکان می‌دهد به‌طور فعال بر عملکرد دولت‌ها و سیاست‌گذاران نظارت کنند. رسانه‌های اجتماعی و افشای اطلاعات به‌صورت بلادرنگ، آگاهی عمومی را افزایش داده و فشار بیشتری برای شفافیت بر نهادهای حکمرانی وارد می‌کند. دوم، «کانالیزه کردن»^۲ که در آن ابزارهای دیجیتال اطلاعات و داده‌های کاربران را جمع‌آوری و بر اساس الگوهای رفتاری آنان محتوا را شخصی‌سازی می‌کنند. این فرایند اگرچه دسترسی به اطلاعات اختصاصی را تسهیل می‌کند، اما ممکن است به «حباب‌های اطلاعاتی»^۳ منجر شود که دیدگاه‌های متنوع را محدود می‌کند. سوم، «تغییر سلیقه»^۴ که فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی تأثیر زیادی بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و سبک‌های زندگی کاربران دارند (Chadwick, 2011: 15-18). دسترسی مستمر به محتوای سیاسی و اجتماعی باعث تغییر اولویت‌ها و گرایش‌های فکری افراد و شکل‌گیری فرهنگ سیاسی جدیدی شده است. در نتیجه تحولات فوق، حکمرانی از مدل‌های سنتی سلسله‌مراتبی به ساختار شبکه‌ای تغییر یافته است. این تغییرات به توزیع قدرت، افزایش همکاری میان بازیگران دولتی و غیردولتی و ارتقای نقش شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری‌های کلان منجر شده است. حکمرانی شبکه‌ای به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که با استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی، رسانه‌های دیجیتال و نهادهای غیردولتی، به‌طور مؤثرتر و کارآمدتری امور عمومی را مدیریت کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این مقاله تلاش کرد تا تحولات حکمرانی را در بستر سایبرپلیتیک و رسانه‌های نوین مورد بررسی قرار دهد. در عصر شبکه‌ای شدن، فضای مجازی به یکی از مهم‌ترین منابع قدرت و مرجع اصلی آگاهی شهروندان تبدیل شده و در تنظیم روابط میان دولت، جامعه و کنشگران غیردولتی نقش بسزایی ایفا می‌کند. این تغییرات،

-
1. Monitoring
 2. Channeling
 3. Information bubbles
 4. Change of taste

سازوکارهای حکمرانی را دستخوش تحول کرده و به بازتعریف مفاهیمی همچون اقتدار، مشروعیت و مشارکت منجر شده است. در این چهارچوب، حکمرانی با تحولات نوظهوری مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به تغییر در ساختارهای نهادی، تنظیم‌گری دیجیتال و تأثیرگذاری روزافزون رسانه‌های بین‌المللی اشاره کرد. تحولات حکمرانی در بستر سایبرپلیتیک مستلزم بازاندیشی در شیوه‌های تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اعمال اقتدار است. در این میان، تصور فضای مجازی به‌عنوان بستری ذاتاً مشارکتی و شفاف، ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد. تحقق حکمرانی کارآمد در این فضا مستلزم نهادسازی، تدوین مقررات مؤثر و ارتقای ظرفیت‌های تنظیم‌گری است. این پرسش همچنان مطرح است که آیا حکمرانی در فضای سایبری می‌تواند به شکلی جامع، کارآمد و پاسخ‌گو عمل کند، یا آنکه همچنان در معرض نفوذ خبگان و منافع خاص باقی خواهد ماند؟ رسانه‌های بین‌المللی شده به‌عنوان بازیگران جدید در عرصه حکمرانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به فضای عمومی و روندهای تصمیم‌گیری ایفا کرده‌اند. جنبش‌های اعتراضی که در فضای مجازی آغاز و به عرصه عمومی کشیده شده‌اند - همچون تحولات میدان تحریر قاهره، پارک زاکوتی نیویورک و اعتراضات زیست‌محیطی در کپنهاگ و برلین - نشان‌دهنده تأثیر عمیق شبکه‌های اجتماعی بر سیاست و حکمرانی معاصر هستند. این پدیده بازتابی از تغییر در الگوهای قدرت، مشارکت و سیاست‌ورزی در عصر ارتباطات است که چشم‌انداز آینده حکمرانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۱-۶. پیشنهادها

عصر حاضر، دوران انقلاب اطلاعاتی است که مانند انقلاب صنعتی، بسترهای جدیدی را برای تحول در حکمرانی فراهم کرده است. در این میان، رسانه‌ها با تحلیل و جهت‌دهی به مناسبات سیاسی، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند و رسانه‌های بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارند. باین‌حال، در ارتباط با سایبرپلیتیک و نقش این رسانه‌ها در تحولات حکمرانی، توجه به چند نکته ضروری است.

- ❖ رسانه‌های بین‌المللی شده باید هم به‌عنوان اشیای دیجیتال و هم محتوای دیجیتال تلقی شوند تا امکان شبکه‌ای‌سازی محتوای جدید فراهم گردد.
- ❖ مدیریت اطلاعات سیاسی باید به‌عنوان یک استراتژی کلان برای رسانه‌های بین‌المللی شده مورد توجه قرار گیرد؛ اما این استراتژی باید در بستر روابط شبکه‌ای تحلیل شود.

- ❖ رسانه‌های بین‌المللی باید از تجربه سایر رسانه‌ها بهره ببرند و از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی، ابعاد سایبرپلیتیک را تقویت کنند.
- ❖ استراتژی «سکوه‌های رسانه‌های اجتماعی» می‌تواند به تثبیت جایگاه رسانه‌های بین‌المللی شده در بستر سایبرپلیتیک کمک کند.
- ❖ سهولت بسیج رأی‌دهندگان، کنشگران سیاسی و مطالبه‌گران سایبری باید در دستور کار رسانه‌های بین‌المللی جدید قرار گیرد.
- ❖ سایبرمدیای رسانه‌های بین‌المللی شده باید بر فرایندهای دموکراتیک، ثبات سیاسی و نه صرفاً تغییرات سیاسی متمرکز باشد، به‌ویژه در کشورهایی که نظام‌های سیاسی آن‌ها در معرض نفوذ خارجی قرار دارند.
- ❖ دموکراتیزه‌سازی محتوای سیاسی و اجتماعی باید با تأکید بر تضمین انتخابات آزاد، عادلانه و شفاف در کشورهایی که این رسانه‌ها به زبان آن‌ها تولید محتوا می‌کنند، تقویت شود.



References

- Atkins, S., Charlton, P., & Avery, D. (2019). Governance: Balance, responsibility and escalation. Retrieved from <https://www.nortonrosefulbright.com/en-pk/knowledge/publications/b5418d61/governance---balance-responsibility-and-escalation>
- Badii Azandahi, M., et al. (2019). Governance in the 21st century and its challenges. *Quarterly of Political Spatial Planning*, 1(3). [In Persian]
- Castells, M. (2014). The power of communication (H. Basirian Jahromi, Trans.). Tehran: Institute for Culture, Art and Communication Studies Press. [In Persian]
- Castells, M., et al. (2019). Transformations of governance in the age of globalization (M. Maghadari, Trans.). Tehran: Contemporary Vision Publications. [In Persian]
- Chadwick, A. (2011). The political information cycle in a hybrid news system: The British Prime Minister and the “Bullygate” affair. *International Journal of Press/Politics*, 16(1), 3–29.
- Choucri, N. (2012). *Cyberpolitics in international relations*. MIT Press.
- Ebrahimi-Far, T., & Yaghoubi-Far, H. (2014). The impact of social networks on public opinion (Case study: The 2009 presidential election). *Scientific-Specialized Quarterly of Police Knowledge*, 7(1), 20. [In Persian]
- Encyclopedia. (2022). Internet, impact on politics. *International Encyclopedia of the Social Sciences*. Retrieved March 28, 2022, from <https://www.encyclopedia.com/social-sciences/applied-and-social-sciences-magazines/internet-impact-politics>
- Ezebuenyi, E. E., & Ejezieh, L. N. (2012). The mass media, political advertising and Nigerian voters: An appraisal. 1st International Conference of the Department of English, Anambra State University, Igbariam Campus, 283–291.
- Foucault, M. (2005). Governmentality. *Goft-o-goo Journal*, 44. [In Persian]
- Gerbaudo, P. (2012). *Tweets and the streets: Social media and contemporary activism*. Pluto Press.
- Goldsmith, D., & Siegel, M. (2012). Cyber politics: Understanding the use of social media for dissident movements in an integrated state stability framework. 2012 IEEE/ACM International Conference on Advances in Social Networks Analysis and Mining, 1321–1328.
- Graham, J., et al. (2003). Principle for good governance in the 21 century. Policy Brief, No. 15.
- Hart, J., Russon, J. A., & Sklair, J. (2021). The private sector in the development landscape: Partnerships, power, and questionable possibilities. *Development in Practice*, 31(7), 857–871.
- Johnston, J. (2003). *Dictionary of human geography: Governance* (N. Barkpour, Trans.). Tehran: Municipalities Organization Publications. [In Persian]

- Johnston, M. (2003). Good governance: Rule of law, transparency and accountability. Department of Political Sciences, Colgate University Publication.
- Kaufmann, D. (2003). Rethinking governance: Empirical lessons challenge orthodoxy. SSRN. <https://ssrn.com/abstract=386904>
- Kaufmann, D. (2008). Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators, 1996-2008. World Bank Policy Research Working Paper, No. 4654.
- Khan, G. F. (2017). Social media for government. In Social media for government (pp. 7-21). Springer. <https://link.springer.com/content/pdf/10.1007/978-981-10-2942-4.pdf>
- Khaniki, H., & Basirian Jahromi, H. (2013). Agency and power in virtual social networks: A study of Facebook's functions in real space. Social Sciences Quarterly, 61. [In Persian]
- Karimi-Maleh, A., & Rahmati, R. (2012). Pathology of democracy in the age of globalization. Foreign Relations Quarterly, 4(1). [In Persian]
- Lateef, K. (2016). Evolution of the World Bank's thinking on governance. Background paper governance and the law, World Development Report.
- Maldonado, N. (2010). World Bank's evolving concept of good governance and its impact on human rights. Doctoral workshop on development and international organizations, Stockholm, Sweden, May 29-30.
- Margolis, M., & Resnick, D. (2000). Politics as usual: The cyberspace revolution. AltaMira.
- Nash, K. (2016). Contemporary political sociology: Globalization, politics, power (M. T. Delfrooz, Trans., 14th ed.). Tehran: Kavir Publications. [In Persian]
- Nazari, A. A., & Gholipour, M. (2017). New social media and their role in representing collective actions. New Media Studies Quarterly, 4(14). [In Persian]
- Nouri, M., & Gholipour, M. (2018). New media and collective action in Iranian political sociology. Contemporary Political Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, 9(2). [In Persian]
- Schmitt, C. (1932). The concept of the political. Rutgers University Press.
- Solanet, P. A., & Cardenal, A. S. (2008). Partidos y política en internet: Un análisis de los websites de los partidos políticos catalenes. Revista de los Estudios de Derecho y Ciencia Política de la UOC, IDP, 6, 46-64.
- World Bank. (1999). Findings on governance, institutions and development. Retrieved from www.worldbank.org